



## نقش الگوهای ارتباطی سازنده، توقع / کناره گیری و اجتناب متقابل زن و شوهری در پیش بینی اختلافات زناشویی

دکتر علی اکبر سلیمانیان، رضا ریحانی (نویسنده مسئول)

استادیار گروه علوم تربیتی و مشاوره دانشگاه بجنورد  
کارشناس ارشد مشاوره خانواده دانشگاه بجنورد

شماره ۲۴ / جلد ۱ / خرداد ۱۳۹۶ / ص ۲۱۱-۱۹۸  
مجله علمی تخصصی روانشناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی (سال دوم)

**چکیده:** اختلافات خرده نظام همسری می تواند تأثیرات معنی داری روی روابط زناشویی، همچنین سلامت ذهنی و عاطفی زوج ها داشته باشد (هاک، ۲۰۱۰). پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط و نقش پیش بینی کنندگی هر یک از الگوهای ارتباطی زوج ها با اختلافات زناشویی در معلمان شهرستان نیشابور صورت گرفت. ۳۳۰ معلم (۱۳۹ مرد و ۱۹۱ زن) که با روش نمونه گیری خوشه ای مرحله ای و طبقه ای نسبی از میان معلمان دو بخش شهرستان نیشابور انتخاب شده بودند، به پرسشنامه الگوهای ارتباطی (CPQ) و پرسشنامه تعارض زناشویی پاسخ دادند. داده های به دست آمده با آماره های توصیفی، ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون و رگرسیون گام به گام تحلیل شد. نتایج تحلیل داده ها نشان داد که الگوهای ارتباطی توقع مرد/کناره گیری زن ( $r=0/36$ )، توقع زن/کناره گیری مرد ( $r=0/37$ )، توقع/کناره گیری کل ( $r=0/47$ ) و ارتباط اجتناب متقابل ( $r=0/65$ ) با اختلافات زناشویی رابطه معنی دار مثبت و روابط سازنده متقابل ( $r=-0/71$ ) با اختلافات زناشویی رابطه معنی دار منفی دارند. همچنین، رگرسیون گام به گام نشان داد که از میان کل متغیرهای پیش بین، ارتباط سازنده متقابل، توقع/کناره گیری کل، ارتباط اجتناب متقابل در مجموع ۶۴٪ از واریانس اختلافات زناشویی را تبیین می کنند. در حالیکه نیمی از واریانس تعارض به وسیله الگوی ارتباطی سازنده تبیین می شود. یافته های این پژوهش می تواند به عنوان مقدمه ای جهت برنامه ریزی مداخلات آموزشی و روان شناختی در بین زوج ها و جوانان با توجه به فرهنگ ایران مورد استفاده قرار گیرد.

**واژگان کلیدی:** اختلافات زناشویی، الگوهای ارتباطی زن و شوهری



## مقدمه

ازدواج یک نقطه عطف در زندگی انسان است که با آن نهاد خانواده شکل می گیرد (ستوده، ۱۳۹۳). اگر چه نقطه آغاز ازدواج رؤیایی است که فقط با مرگ به پایان می رسد اما شرایط زندگی مشترک توان آن را دارد که زوج ها را به سمت نزاع، ناسازگاری، جدایی نفسانی و نهایتاً طلاق سوق دهد (نویدیان و بهاری، ۲۰۱۳). ازدواج پدیده ای است که در عین حال که می تواند پیامدهای مثبتی همچون پیدایش همکاری، همدردی، علاقه، مهربانی را به بار آورد (بات<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵)، می تواند به طور بالقوه منشأ عمده تعارض نیز باشد (آرگیل<sup>۲</sup>، ۱۳۸۶). تعارض پدیده ای می باشد که در ارتباطات زناشویی همراه با عشق و موازات آن شکل می گیرد، در کنار عشق، به بودن خود ادامه می دهد (مهری نژاد، ۱۳۹۱) و می تواند سازنده و یا مخرب عمل کند (رایس<sup>۳</sup>، ۱۹۹۶). هنگامی که تعاملات بین افراد افزایش می یابد به دنبال آن موضوعات متعددی شکل می گیرد که این خود زمینه را برای مخالفت بین آن ها ایجاد می کند و آن زمان که اعمال یکی از طرفین با اعمال طرف مقابل تداخل کند، پدیده تعارض و اختلاف بوجود می آید (مهری نژاد، ۱۳۹۱). براساس یافته های نویدیان و بهاری (۲۰۱۳)، عمده ترین مشکلات خانوادگی، اختلافات زناشویی می باشد. با رجوع به تعاریفی که از اختلاف در دست است، می توان آن را حاصل نوعی ارتباط بین دو فرد در نظر گرفت که در آن، افراد قادر به تفهیم منظور خود نمی باشند (وایلی<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰)، بر سر اهداف ناسازگارشان نزاع می کنند (هاکر و ویلموت<sup>۵</sup>، ۱۹۹۵) و همچنین یکی یا هر دوی آن ها متوجه سرکوبی مسائل مورد علاقه خود توسط دیگری می شوند (گریف و برونیه<sup>۶</sup>، ۲۰۰۰). همانگونه که ستوده (۱۳۹۳) بیان می کند این پدیده می تواند علاوه بر صدمه زدن و تحت تأثیر قرار دادن نهاد خانواده و زوج ها، مشکلات جدی ای را برای فرزندان به بار آورد. از جمله پیامدهای نامطلوب دیگر اختلاف زناشویی می توان به پایین آمدن سطح اعتماد و تعهد زوج ها به یکدیگر (کروز<sup>۷</sup>، ۲۰۰۷)، افسردگی، سوء مصرف مواد، ناکارآمدی جنسی، مشکلات رفتاری، کاهش ایمنی بدن، افزایش فشار خون، تصلب شرایین و درد ناشی از بیماری های مزمن، پدیده خشونت و سرانجام طلاق اشاره کرد (کوالیلی<sup>۸</sup>، ۲۰۰۷).

1. Batt
2. Argile
3. Rice
4. Wille
5. Hocker & Wilmot
6. Greef & Bruyne
7. Kruse
8. Qalili



اختلاف زناشویی پدیده ای طبیعی است و زمانی غیر عادی جلوه می کند که مخرب ظاهر شود، به گونه ای که در روابط زوج ها احساس خشم، خصومت، کینه، نفرت، حسادت و سوء رفتار کلامی و فیزیکی بوجود آورد (لیان و گوک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹). این پدیده از مواردی نظیر ناهماهنگی زن و شوهر در نوع نیازها و روش ارضای آن ها، خودمحوری، اختلاف در خواسته ها، طرح های رفتاری و رفتار غیرمسئولانه نسبت به ارتباط زناشویی و ازدواج ناشی می شود (فرحبخش، ۱۳۸۳). برایکر و کلی<sup>۲</sup> (۱۹۷۹) اختلافات زناشویی را ناشی از سه عامل رفتارهای خاص، هنجارها و نقش ها (مسایلی در مورد حقوق و مسؤولیت های زن و شوهر)، و گرایش های شخصی معرفی کرده است (به نقل از مهری نژاد، ۱۳۹۱). بر اساس پژوهش های صورت گرفته در زمینه عوامل پیش بین اختلاف زناشویی، عوامل متعددی در بروز این پدیده بین زن و شوهر دخیل هستند که عبارتند از:

سن ازدواج، نوع ازدواج، تعداد فرزندان و میزان درآمد، میزان تحصیلات زن و مرد، نوع شغل زن و مرد، نوع رابطه عاطفی همسران با یکدیگر (عنایت، دسترنج، سلمانی، ۱۳۹۰)، مشکلات ارتباطی، اعتیاد، دخالت خانواده ها و بیماری روانی یکی از زوجین (زرگر و نشاط دوست، ۲۰۰۷)، ضعف در مهارت های خودآگاهی، تعاملات انسانی و روابط بین فردی (کرمی، زکی یی، علیخانی، خدادادی، ۱۳۹۱)، روان رنجورخویی، افسردگی، افکار پارانوئیدی (شاهمرادی، فاتحی زاده، احمدی، ۱۳۹۰)، هوش هیجانی ضعیف و میزان بخشودگی پایین (صلاحیان، صادقی، بهرامی، شریفی، ۱۳۸۹)، تصورات غیرواقع بینانه (تالمن و هاسیاو<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴)، سردمزاجی جنسی زنان (مرتضوی، بخشایش، فاتحی زاده، امامی نیا، ۱۳۹۲)، ادراک زوجین از خانواده اصلی (فرحبخش، ۱۳۹۰)، سبک دلبستگی نا ایمن یکی از زوج ها یا هر دو (خسروی، بلیاد، ناهیدپور، آزادی، ۱۳۹۲)، ازدواج های بین نژادی (براتر و کینگ<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸؛ زانگ و ون هوک<sup>۵</sup>، ۲۰۰۹)، ناتوانی در برآورده کردن نیازهای جنسی و اجتماعی و اقتصادی (نویدیان و بهاری، ۲۰۱۳).

یک دلیل مشترک برای ازدواج هایی که به طلاق ختم می شود عدم تعهد و برقراری ارتباط می باشد (اولسون، دفرین، اولسون<sup>۶</sup>، ۱۳۸۸). با توجه به نظر وود<sup>۷</sup> (۱۹۹۸) ارتباطات مؤثر باعث شکوفایی هویت فرد و بهبودی کیفیت روابط می شود، در صورتی که ارتباطات غیرمؤثر جلوی شکوفایی فرد را گرفته و روابطش را تخریب می کند. وایلی (۲۰۰۰) معتقد است هر یک از همسران در زندگی زناشویی شان مجموعه ای از الگوهای ارتباطی را برقرار می کنند به طوری که رفتارهای مشکل آفرین صرفا اجرای همان الگوها می باشد. این الگوها شامل: انزواگزینی متقابل، سرزنش متقابل و توقع/انزواگزینی می باشند. علاوه بر آن،

1. Lian & Geok
2. Braiker & Kelly
3. Tallman & Hsiao
4. Bratter & King
5. Zhang & Van Hook
6. Olson, Defrain, & Olson
7. Wood



کریستنسن و سالووی<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) الگوهای ارتباطی بین زوج ها را به سه دسته تقسیم کرده اند: (۱) الگوی سازنده متقابل: مهمترین ویژگی این الگو این است که قاعده بازی برنده-برنده در آن حاکم است. در این الگو زوج ها با صحبت کردن راجع به مسائل، بدون واکنش های غیرمنطقی و پرخاشگری، سعی در حل آن ها دارند. (۲) الگوی توقع/کناره گیری: این الگو شامل دو بعد: الف) توقع مرد/کناره گیری زن و ب) توقع زن/کناره گیری مرد می باشد. در این الگو یکی از زوج ها سعی می کند در ارتباط درگیر شود در صورتی که دیگری کناره می گیرد. این الگو به شکل یک چرخه بوده که با افزایش یکی، دیگری افزایش یافته و تشدید این الگو منجر به مشکلات دائم زناشویی می شود. (۳) الگوی اجتناب متقابل: در این الگو زوج ها از برقراری ارتباط پرهیز می کنند به گونه ای که ارتباطشان در کمترین حد و یا نزدیک به صفر است. همچنین تعارض بین آن ها شدید است به طوری که بحث و جدل به یک الگوی دائمی و مخرب تبدیل شده است.

نقش بارز رابطه در تبیین کیفیت کلی زندگی زناشویی انکارناپذیر است به طوری که ارتباطات مثرتر موجب کاهش عواقب سلامت روانی ضعیف و افزایش کیفیت زندگی زوج ها شد (بوکوالا<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱؛ وارنر و کلی-مور<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲) و ایجاد نوعی اختلال در آن، بعنوان منشأ اختلافات زن و شوهر مطرح شده است (باستانی، ۱۳۸۶). پژوهش های زیادی در داخل و خارج از ایران انجام شده است که از موضوع مطرح شده حمایت می کند. به عنوان نمونه، در پژوهش رئیسی پور، فلاح چایی و زارعی (۲۰۱۱) مشخص شد که بین الگوهای ارتباطی و رضایت زناشویی رابطه مثبت معنی داری وجود دارد. در پژوهش طولی که توسط گاتمن و لونسون<sup>۴</sup> (۲۰۰۰) انجام شد مشخص گردید که الگوهای ارتباطی زوج ها یکی از پیش بین های قوی طلاق در ۷ سال اول ازدواج است. زارعی و سرخونی (۱۳۹۱) به رابطه ای قوی و مثبت بین ارتباط سازنده ی متقابل و زندگی معنوی با رضایت زناشویی دست یافتند. نتایج پژوهش های زارعی پور و آسوده (۱۳۹۰) نشان داد که صمیمیت عاطفی، جنسی و الگوی ارتباطی سازنده متقابل، بهترین پیش بینی کننده های سلامت روان زوج ها بودند. در پژوهشی با عنوان بررسی پیوند الگوی ارتباطی با خوشنودی زناشویی مشخص گردید که همبستگی مثبتی بین الگوهای ارتباطی سازنده و خوشنودی از پیوند زناشویی وجود دارد (شعاع کاظمی، ۱۳۸۹). در پژوهشی دیگر تحت عنوان بررسی رابطه الگوهای ارتباطی و رضایت زناشویی نشان داده شد که بین نارضایتی زناشویی و الگوی تعاملی سازنده متقابل رابطه ای منفی و همچنین رابطه ای مثبت میان نارضایتی و الگوی توقع/کناره گیری وجود دارد (مداحی، صمدزاده، جاوید، ۲۰۱۳). یافته های پاپ، کوروز و کامینگز<sup>۵</sup> (۲۰۰۹) نشان دادند هر دو الگوی توقع/کناره گیری (توقع زن/کناره گیری مرد و بالعکس) هیجانات و فنون منفی به هنگام تعاملات زناشویی و همچنین سطح پایین حل تعارض را پیش

1. Christensen & Salavy

2. Bookwala

3. Warner & Kelley- Moore

4. Gottman & Levenson

5. Papp, Kouros, & Cummings



بینی می کنند. نتیجه مطالعات هااک<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) بیانگر این مطلب بود که بین الگوی ارتباطی توقع/کناره گیری و پریشانی زناشویی رابطه معنی دار و مثبتی وجود دارد. نتایج پژوهش میلز<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) مشخص ساخت الگوی توقع زن/کناره گیری مرد پیش بینی کننده ناخشنودی و در نهایت جدایی می باشد. همچنین رابرتز<sup>۳</sup> (۲۰۰۰) در پژوهش خود نشان داد الگوی توقع/کناره گیری با ناخشنودی، افسردگی، اضطراب، جدایی همراه است.

لذا با توجه به پیشینه نظری و پژوهشی مطرح شده و اهمیت نقش روابط سازگار و ناسازگار زن و شوهری در بروز مسائل و مشکلات زوجی، این پژوهش به این پرسش پاسخ می دهد که کدام یک از الگوهای ارتباطی معلمان متأهل از اهمیت بیشتری در شکل گیری اختلافات زناشویی برخوردار است.

## روش

با توجه به هدف پژوهش که بررسی « رابطه » متغیرهای پیش بینی کننده با متغیر ملاک (اختلافات زناشویی) می باشد، از طرح پژوهشی توصیفی- همبستگی استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه معلمان مدارس دولتی شهرستان نیشابور بودند که در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ در آموزش و پرورش خدمت می کردند. معیارهای شرکت در پژوهش تک شیفته بودن، دارای حداقل سه سال سابقه کار و زندگی مشترک بود. با توجه به آسان و در دسترس بودن گروه نسبت به فرد، از روش نمونه گیری خوشه ای و طبقه ای نسبی استفاده شد. ابتدا به روش تصادفی ساده از ۵ بخش آموزش و پرورش شهرستان نیشابور ۲ بخش (میان جلگه و زبرخان) انتخاب شدند. سپس از هر منطقه، ۲۱ مدرسه به صورت تصادفی ساده انتخاب شد. در انتها با بهره گیری از جدول مورگان و کرجسی (۱۹۷۰) با توجه به نسبت معلمان مرد و زن در جامعه آماری، ۱۳۹ مرد (۴۲٪) و ۱۹۱ زن (۵۸٪) به شیوه ی تصادفی ساده در نمونه جای گرفتند (۱۰٪ بیشتر از حد توصیه شده به دلیل احتمال ریزش پاسخ دهنده). نرخ تکمیلی در پژوهش حاضر ۹۳/۶۳٪ به دست آمد. میانگین سن و مدت ازدواج آزمودنی ها به ترتیب ۳۵ و ۱۳ سال می باشد. به منظور اجرای این پژوهش ابتدا نامه ای جهت آشنایی معلمان با اهداف این پژوهش، سهم آن ها در افزایش علم، جلب همکاری، حفظ رازداری و اتخاذ رضایت آگاهانه تدوین شد و همراه با پاکت پرسشنامه های مربوطه به مدارس از طریق معاونین مدارس انتخاب شده به معلمان تحویل داده شد. پرسشنامه ها در منزل کامل شده و بعد از یک هفته جمع آوری شدند. بعد از اجرای پرسشنامه ها، داده ها نمره گذاری شده و به منظور تحلیل آن ها برای مشخص کردن آمار توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام) از نرم افزار spss18 استفاده شد.

1. Haak  
2. Mills  
3. Roberts



## ابزار های پژوهش

۱- پرسشنامه الگوهای ارتباطی<sup>۱</sup> (CPQ): این پرسشنامه توسط کریستنسن و سالوی در سال ۱۹۸۴ به منظور آگاهی از چگونگی الگوهای ارتباطی که شامل سه خرده مقیاس: (۱) سازنده ی متقابل (۲) توقع/کناره گیری (۳) اجتناب متقابل می باشد، تدوین شده است. پرسشنامه حاضر متشکل از ۳۵ سؤال است که از مقیاس پاسخ دهی ۹ درجه ای لیکرت (۱=اصلا امکان ندارد تا خیلی امکان دارد=۹) برخوردار می باشد. CPQ از پایایی و روایی مناسبی برخوردار است. پایایی خرده مقیاس های ارتباط سازنده، ارتباط اجتنابی، توقع زن/کناره گیری مرد، توقع مرد/کناره گیری زن و توقع/کناره گیری کل با روش آلفای کرونباخ در ایران به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۵۰، ۰/۴۵، ۰/۷۵، ۰/۵۶ می باشد (کشاورز افشار، اسدی، جهان بخشی، خاص محمدی، ۱۳۹۰). همچنین عبادت پور (۱۳۷۹) پایایی خرده مقیاس های آن را با روش آلفای کرونباخ از ۰/۵۱ تا ۰/۷۱ و روایی آن را از طریق همبستگی بین سه خرده مقیاس ارتباط سازنده متقابل، ارتباط اجتناب متقابل و ارتباط توقع/کناره گیری کل با پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ به ترتیب برابر با ۰/۵۸، ۰/۵۸، -۰/۳۵- که همگی در سطح آلفای ۰/۰۱ معنی دار بودند، گزارش کرده است.

۲- پرسشنامه تعارض زناشویی<sup>۲</sup> (MCQ): پرسشنامه ی ۴۲ سؤالی اختلافات زناشویی MCQ براتی و ثنایی به منظور سنجش تعارض زناشویی معلمان استفاده شد. این پرسشنامه هفت بعد تعارض را مشخص می کند و به روش لیکرت نمره گذاری می شود. فرحبخش و دیگران (۲۰۰۳) میزان پایایی و روایی پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ برای کل آزمون ۰/۶۹ بدست آوردند و آلفای کرونباخ پرسشنامه را ۰/۷۳ و ضریب خرده مقیاس های آن را از ۰/۶۱ تا ۰/۸۴ گزارش کرده اند. همچنین خسروی و همکاران (۱۳۹۰) آلفای کرونباخ را برای کل پرسشنامه، کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزند، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، و جدا کردن امور مالی از یکدیگر به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۶۷، ۰/۷۰، ۰/۸۵، ۰/۷۶، ۰/۷۷، ۰/۶۲، ۰/۶۹ بدست آوردند.

## یافته های پژوهش

در این بخش به واسطه ی اعلام و تحلیل آماره های توصیفی و استنباطی، ابتدا به همبستگی بین متغیرهای پژوهش و سپس به روشن سازی میزان تأثیر و اهمیت متغیرهای پیش بین در مدل رگرسیون حاضر پرداخته می شود.

1. Communication Patterns Questionnaire (CPQ)

2. Marital Conflict Questionnaire



جدول ۱. آماره های توصیفی و ماتریس همبستگی متغیرهای پیش بین و ملاک

متغیرهای پژوهش	M	SD	۲	۳	۴	۵	۶
۱- تعارض زناشویی	۱۱۲	۳۳/۴۰	**-.۰/۷۱	**-.۰/۳۶	**-.۰/۳۷	**-.۰/۴۷	**-.۰/۶۵
۲- الگوی ارتباطی سازنده	-۳/۲۵	۹/۸۳	—	**-.۰/۲۲	**-.۰/۱۸	**-.۰/۲۶	**-.۰/۶۷
۳- توقع مرد/کناره گیری	۱۳/۱۳	۴/۳۸	—	—	**-.۰/۱۸	**-.۰/۸۱	**-.۰/۱۹
۴- توقع زن/کناره گیری	۱۱/۳۳	۳/۶۴	—	—	—	**-.۰/۷۱	*.۰/۱۳
۵- توقع/کناره گیری کل	۲۴/۴۶	۶/۱۹	—	—	—	—	**-.۰/۲۱
۶- ارتباط اجتناب متقابل	۱۴/۵۸	۴/۴۵	—	—	—	—	—

\* $p < .05$ , \*\* $p < .01$ 

با توجه به جدول ۱، روشن است که تعارض زناشویی با تمامی الگوهای ارتباطی زوج ها رابطه ای معنی دار در سطح کمتر از ۰/۰۱ دارد. به طوری که نیرومندترین رابطه تعارض به ترتیب با الگوی ارتباطی سازنده و الگوی اجتناب متقابل به میزان ۰/۷۱ و ۰/۶۵ دیده می شود. همچنین تعارض زناشویی ضعیف ترین همبستگی را با الگوی ارتباطی توقع مرد/کناره گیری زن دارد ( $r = ۰/۳۶$ ). همانگونه که در جدول ۱ دیده می شود، تنها بین تعارض زناشویی با الگوی ارتباطی سازنده رابطه ای منفی برقرار است.

جدول ۲. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش بینی اختلافات زوج ها توسط الگوهای ارتباطی

گام	متغیرهای پیش بین	R	R <sup>2</sup>	B	SE	B	RS	F
۱	ارتباط سازنده	۰/۷۱	۰/۵۰	-۲/۴۱	۰/۱۵	-۰/۷۱	۰/۵۰	۲۴۷/۱۲**
۲	ارتباط سازنده توقع/کناره گیری کل	۰/۷۷	۰/۵۹	-۲/۱۳	۰/۱۴	-۰/۶۲	۰/۵۹	۵۲/۵۴**
۳	ارتباط سازنده توقع/کناره گیری کل	۰/۸۰	۰/۶۴	-۱/۴۴	۰/۱۸	-۰/۴۲	۰/۶۴	۳۴/۱۱**



\*\*p < ۰/۰۰۱

همانگونه که جدول ۲ نشان می دهد، متغیرهای ارتباط سازنده متقابل و توقع کناره گیری کل به ترتیب توان بیشتری در پیش بینی تعارض زناشویی دارند ( $p < ۰/۰۰۱$ ). به نحوی که ارتباط سازنده متقابل در گام نخست قادر به تبیین ۵۰٪ از واریانس تعارض زناشویی می باشد. در گام دوم ارتباط سازنده به کمک الگوی توقع/کناره گیری کل ۵۹٪ از واریانس متغیر ملاک را تبیین می کند. در سومین گام، با افزوده شدن الگوی ارتباطی اجتنابی این مقدار به ۶۴٪ می رسد. همچنین ضرایب  $\beta$  در جدول ۲ بیانگر آن است که الگوی توقع/کناره گیری کل و ارتباط اجتناب متقابل رابطه ای مستقیم و الگوی ارتباطی سازنده متقابل رابطه ای معکوس با اختلافات زناشویی دارند.

#### بحث

خانواده جهانشمول ترین نهاد اجتماعی است (خدایاری فرد، شهابی، اکبری زردخانه، ۱۳۸۶) و استحکام آن تا اندازه ای به روابط اعضایش بستگی دارد (اعزازی، ۱۳۹۳). زوج هایی که در حیطه مهارت های شخصی، همچون انتظارات و کنترل رفتار ضعف دارند، دچار اختلافات زناشویی می شوند (برنشتاین، بیچ، هیدر، ارنست<sup>۱</sup>، ۱۹۸۱). در صورتی که انتظارات زوج ها از یکدیگر منطقی باشد، عملکرد آن ها در زمینه برقراری ارتباط بهتر بوده و بهتر می توانند انتظارات یکدیگر را ارضا نمایند (یک، ۱۹۹۵). با نگاهی به آمار طلاق می توان دریافت تعارض مخرب به یک نگرانی در جامعه کنونی تبدیل شده و نظر بسیاری از پژوهشگران و درمانگران را به خود جلب کرده است. این پدیده در طول زمان منجر به ناسازگاری زوج ها، نارضایتی زناشویی شده (بوستانی پور، ثنایی ذاکر، کیامنش، ۱۳۸۶)، اعتماد و تعهدشان را نسبت به یکدیگر کاهش داده (کروز، ۲۰۰۷) و در نهایت منجر به طلاق می گردد (ویکز و فایف<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴). لذا با توجه به شایع شدن اختلافات زناشویی، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش الگوهای ارتباطی معلمان در پیش بینی اختلافات زناشویی انجام شد. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام حاکی از آن بود که ۶۴٪ واریانس اختلافات زناشویی توسط الگوهای ارتباطی زوج ها قابل تبیین می باشد، به گونه ای که ارتباط سازنده متقابل بیشترین قدرت (۵۰٪) را در تبیین واریانس متغیر ملاک دارد.

یافته های این پژوهش روشن ساخت که اختلافات زناشویی با کلیه الگوهای ارتباطی زناشویی رابطه معنی داری دارد. به گونه ای که بین اختلافات زناشویی و الگوی ارتباطی سازنده متقابل، رابطه ای منفی وجود دارد. این یافته با نتایج مطالعات کریستنسن و

1. Bornstein, Beach., Heide, & Ernst  
2. Beck  
3. Weeks & Fife





شنگ<sup>۱</sup> (۱۹۹۱)، نولر، فیینی، بانل و سالان<sup>۲</sup> (۱۹۹۴)، فتحی نژاد و احمدی (۲۰۰۵)، شعاع کاظمی (۱۳۸۹)، زارعی و سرخونی (۱۳۹۱)، مداحی و همکاران (۲۰۱۳) همسو می باشد. در تبیین این یافته می توان اینگونه عنوان کرد، زوج هایی که از الگوی ارتباط سازنده برخوردار هستند به هنگام بروز تعارض به راحتی در مورد مسائل خود بحث می کنند و بدون آن که واکنش های غیرمنطقی و پرخاشگرانه از خود نشان دهند، در پی یافتن راه حل می باشند (کریستنسن و سالوی، ۱۹۹۱). زوج ها بدون آن که یکدیگر را تحقیر و یا با پیامدهای منفی تهدید کنند، در هنگام مشکلات احساسات خود را ابراز کرده و تواما به پیشنهاد راه حل هایی برای حل مشکلات می پردازند. بنابراین هر دو از محتوای هر پیام و مساله ایجاد شده، به درک روشنی رسیده و قادرند با برطرف کردن مسائل از شدت اختلافات و تکرار آن ها جلوگیری کنند.

از طرفی، یافته ها نشان دادند اختلافات زناشویی با الگوهای ارتباطی اجتنابی و توقع/کناره گیری رابطه ای مثبت دارد؛ چرا که زوج ها از رویارویی با مسائل و مشکلات اجتناب کرده و نمی توانند با یکدیگر به شیوه ای مؤثر ارتباط برقرار کنند (شیلینگ، دونالد، کارلس، الیزابت، لینل<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳). لذا سوء برداشت ها و ذهن خوانی های نادرست و منفی در هر تعارض حفظ شده و موجب تکرار اختلافات و در آمیخته شدن با مسائل جدید می شوند. همچنین از آنجایی که پیوند زناشویی پیوندی ضروری است، اجتناب و کناره گیری یکی از زوج ها از بحث و گفتگو درباره مسائل، خانواده را دچار مشکل می کند. در الگوی توقع/کناره گیری زوج ها در برقراری ارتباط مناسب، کنترل هیجان ها و رویارویی با هیجان های منفی، مخصوصا درگیری کلامی- غیر کلامی ضعف دارند. به همین دلیل، هرچه یکی از زوج ها متقاضی و دیگری کناره گیر باشد، بر حجم مسائل حل نشده افزوده شده و اختلافات به کرات رخ می دهد. یافته ها با نتایج پژوهش میلز (۲۰۰۸)، رابرتز (۲۰۰۰)، پاپ و همکاران (۲۰۰۹)، فتحی نژاد و احمدی (۲۰۰۵)، مداحی و همکاران (۲۰۱۳)، هاک (۲۰۱۰)، نولر و همکاران، (۱۹۹۴) همسو می باشد.

### نتیجه گیری

به طور کلی، یافته های این پژوهش می توانند به شناخت بهتر نقش الگوهای ارتباطی کارآمد و ناکارآمد زناشویی در اختلافات بین زن و شوهر کمک کنند. نتایج نشان دادند الگوهای ارتباطی زوج ها توان بالایی در پیش بینی اختلافات زناشویی معلمان دارند؛ به عبارتی، هر اندازه تعاملات زوج ها مناسب تر (غالب بودن الگوی ارتباطی سازنده بر الگوی اجتناب متقابل و توقع/کناره گیری) باشد، زندگی زناشویی شان کمتر درگیر تعارض خواهد شد. بنابراین اگر زنان و مردان به هنگام بروز مسأله و مشکلات در بافت ازدواج خود، به جای کناره گیری و پرهیز کردن، با یکدیگر به دور از انتقاد و توهین به بحث و گفتگو بپردازند، به نحوی که هدف آن ها یافتن راه حلی توافقی برای مسائل باشد، کمتر در زندگی خود تعارض را تجربه می کنند. بنابراین عوامل مخربی نظیر

1. Shenk

2. Noller, Feeny, Bannell, & Callan

3. Schillin, Donald, Charles, Elizabeth, & Lynelle



نارضایتی، ناسازگاری، بی ثباتی در ازدواج و طلاق، به میزان کمتری در خانواده ها اتفاق خواهد افتاد. در نهایت نه تنها موجب افزایش دوام و پایداری خانواده ها، بلکه باعث استحکام جامعه خواهد شد.

لذا با در نظر داشتن نقش پررنگی که الگوهای ارتباطی در اختلافات زناشویی دارند لازم است که رسانه ها آموزش مهارت های رفتاری را مورد توجه قرار دهند. علاوه بر آن، ضروری است که در برنامه های پیش از ازدواج به این مؤلفه توجه بیشتری لحاظ شود تا سطح کیفی زندگی زناشویی آیندگان نسبت به حال ارتقا یابد. توصیه بعدی این است که کارشناسان خانواده به منظور بالا بردن استحکام و رضایت زوج ها و همچنین ثبات در ازدواج، بسته هایی آموزشی جهت بالا بردن تعاملات مناسب زناشویی جوانان تدارک ببینند.

این پژوهش روی جامعه آماری معلمان انجام گرفته است، بنابراین محدودیت آن، تعمیم پذیری محتاطانه نتایج بر جامعه های غیر از معلمان می باشد. از این جهت احتمال دارد اجرای این پژوهش بر روی جامعه های دیگر به تعمیم پذیری قاطعانه تر نتایج حاضر کمک کند.

### تشکر و قدردانی

در پایان کار پژوهشی از اداره آموزش و پرورش، معاونین مدارس منتخب و تمامی معلمان شهرستان نیشابور که برای به انجام رساندن این پژوهش به پرسشنامه های مربوطه پاسخ دادند تشکر و قدردانی می کنم.

### منابع فارسی

- آرگایل، مایکل. (۱۳۸۶). شیوه های برقراری ارتباط: روابط از دیدگاه روانشناسی اجتماعی (ترجمه عادل ابراهیمی لویه و مرضیه محقق). تهران: لویه. (تاریخ انتشار به زنان اصلی: ۱۹۳۵).
- عزازی، شهلا. (۱۳۹۳). جامعه شناسی خانواده. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- اولسون، دیوید اچ، دفرین، جان، و اولسون، ایمی کی. (۱۳۸۸). مهارت های ازدواج کارآمد: ارتباط زناشویی (ترجمه احمد رضا بحیرایی و نادر فتحی). تهران: روانشناسی و هنر. (تاریخ انتشار به زبان اصلی: ۱۹۹۹).
- باستانی، قادر. (۱۳۸۶). اصول و تکنیک های برقراری ارتباط موثر با دیگران. تهران: ققنوس.
- بوستانی پور، علیرضا، ثنایی ذاکر، باقر، و کیامنش، علیرضا. (۱۳۸۶). فراتحلیل اثربخشی الگوهای شناختی- رفتاری در درمان مشکلات زناشویی. تازه ها و پژوهش های مشاوره، شماره ۲۲، ۲۵-۷.



خدایاری فرد، محمد، شهابی، روح الله، و اکبری زردخانه، سعید. (۱۳۸۶). رابطه نگرش مذهبی با رضایت مندی زناشویی در دانشجویان متأهل. **خانواده پژوهی**، ۱۰، ۶۲۰-۶۱۱.

خسروی، زهره، بلیاد، محمدرضا، ناهیدپور، فرزانه، و آزادی، شهذخت. (۱۳۹۰). بررسی رابطه ی سبکهای دلبستگی، بخشش و اختلافات زناشویی در زوجهای مراجعه کننده به مراکز مشاوره ی شهر کرج. **فصلنامه علمی- پژوهشی جامعه شناسی زنان**، سال ۲، شماره ۳، ۷۹-۶۱.

زارع پور، مریم، و آسوده، محمدحسین. (۱۳۹۰). سلامت روان زوجین: نقش ابعاد صمیمیت زناشویی و الگوهای ارتباطی، دومین همایش ملی روانشناسی - روانشناسی خانواده، مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت،  
[http://www.civilica.com/Paper-NCPSY02-NCPSY02\\_143.html](http://www.civilica.com/Paper-NCPSY02-NCPSY02_143.html)

زارعی، اقبال، و احمدی سرخونی، طاهره. (۱۳۹۱). نقش پیش بینی کننده های هوش معنوی و الگوهای ارتباطی با میزان رضایتمندی زناشویی زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره در شهر بندرعباس. **پژوهش های روان شناسی بالینی و مشاوره**، ۲، ۱۱۶-۱۰۱.

ستوده، هدایت الله. (۱۳۹۳). **آسیب شناسی اجتماعی**. تهران: نشر آوای نور.

شاهمرادی، سمیه، فاتحی زاده، مریم، و احمدی، احمد. (۱۳۹۰). پیش بینی تعارض زناشویی از طریق ویژگی های شخصیتی، روانی و جمعیت شناختی زوج ها. **دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی**، سال ۱۲، شماره ۱، ۴۴-۳۳.

شعاع کاظمی، مهرانگیز. (۱۳۸۹). بررسی پیوند الگوهای ارتباطی با خوش نودی زناشویی. **مطالعات اجتماعی - روان شناختی زنان**، سال ۸، شماره ۱، ۷۰-۵۷.

صلاحیان، افشین، صادقی، مسعود، بهرامی، فاطمه، و شریفی، مریم. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین هوش هیجانی و بخشودگی با اختلافات زناشویی. **مطالعات روان شناختی دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه الزهراء**، دوره ۶، شماره ۲.

عبادت پور، بهناز. (۱۳۷۹). **هنجاریابی پرسشنامه الگوهای ارتباطی زناشویی در شهر تهران در سال ۷۹-۷۸**. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، تهران: دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تربیت معلم.

عنایت، حلیمه، دسترنج، منصوره، و سلمانی، فائزه. (۱۳۹۰). بررسی عوامل مرتبط با اختلافات خانوادگی. **فصلنامه علمی- پژوهشی جامعه شناسی زنان**، سال ۲، ۱۹-۱.



فرح بخش، کیومرث. (۱۳۸۳). مقایسه میزان اثربخشی فنون زوج درمانی نظریه الیس و گلاسر و ترکیبی از آن دو در کاهش اختلافات زناشویی. پایان نامه دکترا، دانشگاه علامه.

فرحبخش، کیومرث. (۱۳۹۰). همبستگی بین ویژگیهای ادراک شده خانواده اصلی و فعلی و رابطه آن با تعارض زناشویی. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی، سال ۲، شماره ۶، ۶۰-۳۵.

کرمی، جهانگیر، زکی یی، علی، علیخانی، مصطفی، و خدادادی، کامران. (۱۳۹۱). رابطه مهارت های زندگی و اختلافات زناشویی با بهداشت روانی در زوجین. فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده، سال اول، شماره ۴، صص ۴۷۲-۴۶۱.

کشاوری افشار، حسین، اسدی، مسعود، جهان بخشی، زهرا، و خاص محمدی، مهدی. (۱۳۹۰). تأثیر آموزش حل مسأله مبتنی بر نظریه انتخاب بر الگوهای ارتباطی زوج ها. دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، سال ۱۲، شماره ۲، ۲۸-۲۰.

مرتضوی، مهناز، بخشایش، علیرضا، فاتحی زاده، مریم، و امامی نیا، سعیده. (۱۳۹۲). رابطه بین سرد مزاجی جنسی و تعارض زناشویی در زنان ساکن شهر یزد. مجله پزشکی ارومیه، دوره ۲۴، شماره ۱۱، ۹۲۱-۹۱۳.

مهری نژاد، سید ابوالقاسم. (۱۳۹۱). مبانی ازدواج و تشکیل خانواده. تهران: آوای نور.

#### منابع لاتین

- Beck, A. T. (1995). Cognitive therapy: Past, present and future. *J Couns Clin Psychol*, 61, 2-20.
- Bookwala, J. (2011). Marital quality as a moderator of the effects of poor vision on quality of life among older adults. *Journals of Gerontology: Series B: Psychological Sciences and Social Sciences*, 66, 605-616. doi:10.1093/geronb/gbr091.
- Bornstein, P. H., Beach, P. J., Heider, J. F., & Ernst, J. (1981). Clinical treatment of marital dysfunction: A multiple-baseline analysis. *J Behav As*; 3, 335-43.
- Bratter, J., & King, R. (2008). "But will it last?": Marital instability among interracial and same-race couples. *Family Relations*, 57, 160-171.
- Christensen, A., & Salavy, R. J., (1991). Communication, conflict, and psychological distance in nondistressed, clinic and divorcing couples. *Journal of consulting and clinical Psychology*, 59, 458-463.
- Christensen, A., & Shenk, J. L. (1991). Communication, conflict and psychological distance in nondistressed, clinic, and divorcing couples. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 59, 458-463
- Gottman, G. M., & Levenson, R. W. (2000). The timing of divorce. Predicting When a Couple Will divorce over a Year Period. *Journal of Marriage and the Family*, 62, 737-745.



Greef, A., & Bruyne, T. (2000). Conflict management style and marital satisfaction. **Journal of sex and marital therapy**, 26, 321-334.

Haak, Sara. (2010). **Marital distress and the demand-withdraw pattern of communication**. A Final Project submitted to the Graduate Centre for Applied Psychology, Athabasca University in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of counseling. Athabasca University.

Hocker, J. L., Wilmot, W. W. (1995). *Interpersonal conflict* (4<sup>th</sup> ed). Dubuque, IA: W. C. Brown.

Kruse, N. (2007). **The relationship between self-differentiation and the levels of trust, shame and guilt in intimate relationships**. Unpublished doctoral dissertation. Alliant International University, Los Angeles, California.

Lian, T. C., & Geok, L. S. (2009). A study of marital conflict on measures on social support and mental health. Sunway university collage. <http://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/summary?doi=10.1.1.460.6705>

Madahi, Mohammad Ebrahim., Samadzadeh, Mona., & javidi, Nasirudin. (2013). The Communication Patter & satisfaction in married students. **Procedia - Social and Behavioral Sciences**, Vol 84, 1190 – 1193.

Mills, Linda G. (2008). Shame and Intimate Abuse: The Critical Missing Link between Cause and Cure. **Children and Youth Services Review**, 30, 6, 631–638.

Navidian, A., & Bahari, F. (2013). The effects of Hope-focused, forgiveness-focused and mixed marital counseling on Interpersonal cognitive distortions of divorcing couples. **Journal of Psychiatric and Mental Health Nursing**, 10.

Noller, Patricia., Feeny, Judith.A., Bannell, Denise., & Callan, Victor. G. (1994). A longitudinal study of conflict in early marriage. **Journal of social and personal Relationships**. 11, 2, 233-252.

Papp, Lauren M., Kouros, Chrystyna. D., & Cummings, E. Mark. (2009). Demand-Withdraw Patterns in Marital Conflict in the Home. **Pers relatsh** . 16, 2, 285-300.

Qalili Z. (2007). Effectiveness of problem-solving learning approach to reduce marital conflict . **Journal of Applied Psychology**, 3, 9-31.

Raeisipoor, Zoleykha., Fallahchai, Reza., & Zarei, Eghbal. (2013). The Study of Adult Attachment Styles, Communication Patterns, and Marital Satisfaction. **Journal of Life Science and Biomedicine**, 3, 1, 64-68.



Rice, L. P. (1996). Intimate relationship marriage and family. California: Cole. Sells, J., & Hargrave, J. (1998). Forgiveness: Review of the theoretical and empirical literature. **Journal of Family Therapy**, 20, 21-36.

Roberts, Linda J. (2000). Fire and Ice in Marital Communication: Hostile and Distancing Behaviors as Predictors of Marital Distress. **Journal of Marriage and Family**, 62, 3, 693-707.

Schilling, Elizabeth. A., Donald, H. Baucom., Charles, K. Burnett., Elizabeth, Sandin. Allen., & Lynelle, Ragland. (2003). "Altering the Course of Marriage: The Effect of PREP Communication Skills Acquisition on Couples' Risk of Becoming Maritally Distressed." **Journal of Family Psychology**, 17, 1, 41-53.

Tallman, I., & Hsiao, Y-L. (2004). Resources, cooperation, and problem solving in early marriage. **Social Psychology Quarterly**, 67, 172-188.

Warner, D. H., & Kelley-Moore, J. (2012). The social context of disablement among older adults: Does marital quality matter for loneliness?. **Journal of Health and Social Behavior**, 53, 50-66. doi:10.1177/0022146512439540.

Weeks, G. R., & Fife, S. T. (2014). **Couple in Treatment. Techniques & Approach for Effective Practice**. London Bruner Routledge. dp/0415720311

Wille, S. T. (2000). Marital interaction and satisfaction: A longitudinal view. **Journal of consulting and clinical Psychology**, 57, 1, 47-52.

Zargar, F., & Neshatdoost, H. T. (2007). The study of effective factors the incidence of divorce in falavarjan city. **quarterly journal of family study**. Vol, 3. No, 11. Fall, pp 737-749. (Persian)

Zhang, Y., & Van Hook, J. (2009). Marital dissolution among interracial couples. **Journal of Marriage and Family Therapy**, 71, 95-107.